

فدای عطاالله الهی



فدای عطاالله الهی

قبل از بلایان هر نالته و مطلبی لازم است توضیح مختصری در خصوص ماهیت و بستگی فدای بلایان شود؛ فدایان از آبادی‌ها، یهودی‌نشینان و دارایان نخلستان‌ها قابل توجه در نزدیکی خلیج بود که در سال هفتم هجری و پس از فتح خلیج بدون جنای در اختیار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت، در واقع بعد از فتح خلیج، که دین مستحکم و قوی بود، یهودیان اهالی فدای و مناطق اطراف آن متوجه ضعف خود شدند و توان مقابله و استنادی در برابر سلاطین اسلام را در خود مشاهده نکردند، به همین جهت با امامبر (صلی الله علیه و آله) از در صلح وارد شدند، که نصف سرزمین آنها اختصاص به امامبر داشته باشد و نصف دیگر از آن خودشان، و در حال کشاورزی سهم امامبر به عهده آنها باشد و سرزمین فدای را به امامبر (صلی الله علیه و آله) هدیه کردند. [1]

در فقه اسلام، این ذللت اموال، به بدون جنه در اختیارات امامبر قرار گرفته، جزء اختصاصات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد، و ایشان به هر شکل به مصلحت بدانند، می توانند در آن تصرف داشته باشند. خدا متعال در خصوص این ذللت اموال می فرماید: «وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَلْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كِنِّ اللَّهُ لِيُكَلِّمَ رَسُولَهُ عَلَىٰ مَنْ لَشَاءٍ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [حشر، آیه 6] و آنکه را خدا از آنان [یهود] به رسولش بازگردانده (بخشیده) می‌زی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشید)، نه اسبی ناختید و نه شتری ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیزی توانا است.»!

مفسران قرآن ذللت این آیه شریف این ذللت بیان داشته اند: «این آیه حکم غنائم بنی نضیر را بیان می‌کند، و در این حال روشنتر است که قانون کلی در زمانه تمام غنائمی است که بدون در دسر و زحمت و رنج عائد جامعه اسلامی می‌شود که در فقه اسلامی به عنوان "فایه" یاد شده است. در تمام مواردی که برای به دست آوردن غنایم می‌بخشد، غنائم در بیان جنجولان تقسیم نخواهد شد، و به طور کامل در اختیارات رئیس مسلمین قرار می‌گیرد، او هم با صلاح دید خود در مصارفی که در آیه بعد می‌آید مصرف می‌کند.» [2]

اعتراف محققان و تاریخ نوپسان

تاریخ نوپسان بزرگ شایعه و سنه بدون هیچ گونه اختلافی به این موضوع اذعان و اعتراف دارند که سرزمین فدک بدون هیچ گونه جنه و در برابر توسط یهودیان فدک به امامبر (صلی الله علیه و آله) هدیه داده شده است. برای نمونه ابن هشام در تاریخ خود این ذللت بیان می‌دارد: «قَالَتِ فَدَكٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَالِصَةً لِأَنَّهُ لَمْ يُوجِفْ عَلَيْهَا بِخَلْلٍ وَلَا رِكَابٍ» [3] پس فدک به طور کامل برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود که اسب و استر بر آن نداشت.»

بخشش فدک به فاطمه (سلام الله علیها) از مدار اهل سنت

هر چند فدک در ابتدا به رسول (صلی الله علیه و آله) هدیه شده بود، و تب تاریخ ذللت به این مطلب اعتراف کرده اند، و آنکه آنکه مسلم و قطع است، این است که، امامبر (صلی الله علیه و آله) در زمان حیات خود این زمین و باغ را به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هدیه کرده است، از این رو انتقال مالکیت این سرزمین از طریق هدیه صورت گرفته است نه از طریق ارث، منابع اهل سنت ذللت به این موضوع اذعان و اعتراف دارند: برای نمونه به لند روایت در این خصوص اشاره می‌کنیم: برای نمونه سلوط در تفسیر خود از ابو سعید خدری نقل می‌کند: «لَمَّا نَزَلَتْ «وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» [اسراء، آیه 26] و حق نزدیکان را بپرداز،» أعطاه رسول الله (صلی الله علیه و آله) فاطمه فدک؛ [4] هنگامی که آیه 26 اسراء نازل شد،

رسول خدا فد را به فاطمه بخشید.»

صاحب کتاب منابع الموده نیز می‌نویسد: زمانه آن 26 سوره اسراء نازل شد، نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فاطمه را خواست و فد را به او عطا کرد، و گفت این قسم است که خداوند بر او تو و [نسل] پس از تو قرار داده است. [5] حال حاضر حسد نیز در شأن نزول آیه 38 سوره روم «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»، مشابه همین مطلب را نقل کرده است. [6]

فد هد به خدا به فاطمه (سلام الله علیها)

از مطالب و تفاسیر مفسران و محققان اهل سنت و شریعت در خصوص آیات قبل بیان داشته این مطلب استفاده می‌شود که امیرالمؤمنین (صلی الله علیه و آله) فد را به فرمان الهی به دختر خود فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هدیه کرده است، این هدیه را مطالب تفسیر می‌کنند، علاوه بر آن علامه طباطبائی نیز در ذیل آیات 7 سوره مبارکه حشر، به ذرات بسیار مهم اشاره می‌کنند: «ما أفاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَتْمَامِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ الْمَسْبُورِ...» [حشر، آیه 7]

از ظاهر این آیه بر می‌آید که مالخواهد موارد مصرف فی‌أ در آیه ششم «سوره حشر» را بیان کند. و «فی‌أ» در آن آیه را که خصوص «فی‌أ» بنی‌النضال بود به همه فی‌أ های دیگر عمومیت دهد:

«1- فَلِلَّهِ وَ لِلِّرَّسُولِ»: یعنی قسمتی از فداء مخصوص خدا و قسمتی از آن مخصوص رسول خدا است. و منظور از اینکه فقط مخصوص خداست، این است که باید زهر نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در راه رضای خدا صرف شود.

«2- وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ»: منظور از ذی‌القربی، ذی‌القربای رسول خدا و دودمان آن جناب است، و معنا ندارد که ما آن را به قرابت عموم مؤمنان حمل کنیم. [8]

سخن آخر:

خدا متعال بعد از بیان موارد مصرف «فداء» با تأکید دوباره هم‌بانی را ملزم به رعایت این دستور الهی نموده، و از عواقب تمرد و سرکشی از آن برحذر می‌دارد: «وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» [حشر، آیه 7] آنکه را رسول خدا برای شما آورده باشد (و اجرا کند)، و از آنکه نهی کرده خودداری ننماید و از

مخالفت) خدا بفرهنگی که خداوند کفرش شد است!»، هر بند که مسلمانان آن دمار آلتن فرمان الهی را زلر با گذاشتند، و توجهی به امر الهی نمودند و حق فاطمه را غصب کردند.

نوشت ها :

[1] ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف (ترجمه داود إلهامی)، ص 392؛ مجموعه مقالات، فد، جمع از نویسندگان، وهش کرده حج و زیارت، ص 7.

[2] تفسیر نمونه، ج 23، ص 503. ر: الملزان فی تفسیر القرآن، ج 19، ص 203.

[3] سلره ابن هشام، ج 3، ص 368. به همین مضموم تاریخ ابن لذر، ج 4، ص 384؛ مغاز واقده، ج 2، ص 706.

[4] تفسیر سلوط، ص 364.

[5] لتابع الموده، ص 439.

[6] شواهد تنزیل، ج 1، ص 570.

[8] ترجمه الملزان، ج 19، ص: 352.

منبع: [تیلان](#)